

۱۰۰/۰۰۰ نفر جمعیت دارد و در آغاز این قرن دارای ۵۰۰۰۰ نفر جمعیت بوده است.

منابع اولیه و کتابشناسی

نخستین اطلاعات، درباره جمعیت سومالی، تخمینهایی است که در دوران استعمار صورت گرفت و بهترین این تخمینها بر مبنای بررسیهای منطقه‌ای است که توسط ایتالیاییها در مناطق تحت نفوذشان در ۱۹۳۱ (۱ میلیون نفر) و ۱۹۵۳ (۱/۲۵۰/۰۰۰ نفر) انجام شد. نخستین سرشماری در ۱۹۷۵ م. برگزار شد.

آفریقا ۶

سودان ۲/۵۰۰/۰۰۰ کیلومتر مربع

(۲۴۰/۰۰۰ کیلومتر مربع چراگاه، ۶۰/۰۰۰ کیلومتر مربع قابل کشت)

تقریباً ۴۰۰۰ سال پیش از میلاد، سودانیها از مرحله گردآوری غذا به زندگی چوپانی و در مناطق محدودی که زراعت امکان پذیر بود، به زندگی کشاورزی روی آوردند. جمعیت سودان بسرعت از سطح ۱۰۰/۰۰۰ نفر در گذشته افزایش یافت و در ۳۰۰۰ ق.م. به ۲۵۰۰۰۰ نفر و در ۲۰۰۰ ق.م. به ۵۰۰/۰۰۰ نفر رسید. در سال ۱۵۰۰ ق.م، هنگامی که نیروهای نظامی فراعنه مصر شروع به اکتشاف نیل، در قسمت بالایی آبشار بزرگ دوم کردند، تقریباً ۱ میلیون نفر در منطقه حکومت سودان جدید می زیستند. مصریها از این منطقه، فقط ایالت نیل را تاجنوب آبشار بزرگ چهارم به تصرف خود در آوردند - کناره‌ای که آنان آن را کوش می نامیدند و ما اکنون نوبه می نامیم. جمعیت این بخش تقریباً ۱۰۰/۰۰۰ نفر است که حدود بیش از ۱۰٪ از جمعیت سودان را تشکیل می دهد.

سقوط امپراتوری مصر در ۱۰۰۰ ق.م. موجب آزادی نوبه‌ایها، پیدایش قلمرو پادشاهی نوبه و گسترش مرزهایشان شد. تا سده ششم پیش از میلاد، آنان تمام سودان مرکزی را به تصرف خود درآوردند و به آن سازمان بخشیدند و یک سوم سودان را زیر حاکمیت خود درآوردند. مجموع جمعیت سودانیها به حدود ۱/۵ میلیون نفر رسید و قلمرو پادشاهی مروئه^{۳۱} که به عنوان جدیدی شناخته شد دارای جمعیتی حدود ۵۰۰/۰۰۰ نفر بود. این حکومت تا سده چهارم میلادی پایدار ماند و در این هنگام توسط سه حکومت جانشین که همگی در طول ۱۰۰ سال بعد رسماً به مسیحیت گراییدند،

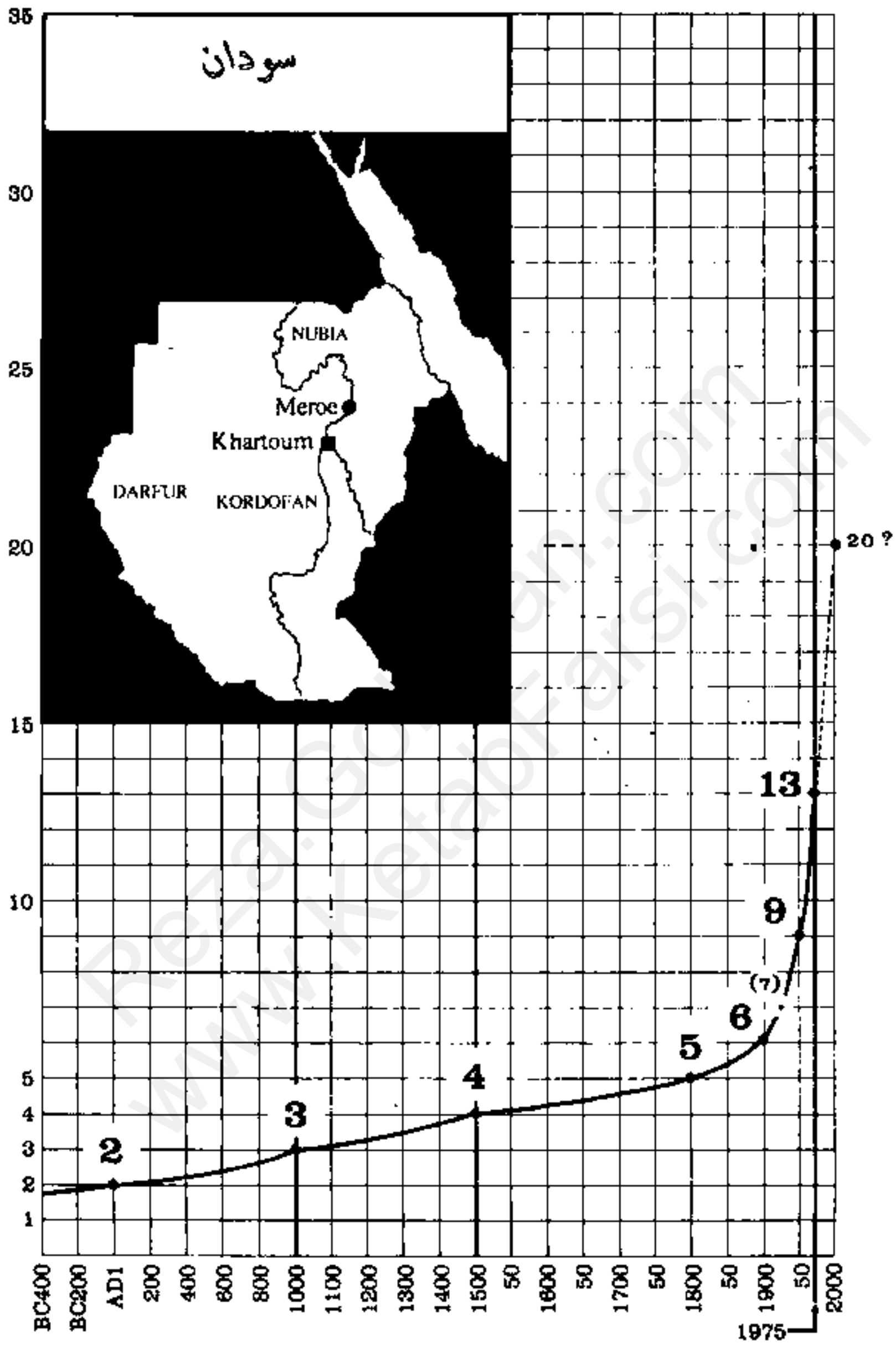
متقرض شد.

مبلغان مسیحی حتی در بخش غربی سودان - ایالت‌های کنونی دارفور^{۳۲} و کردفان^{۳۳} - که پیش از این کشف نشده بود، دارای موقیتهایی بودند. اما با غلبه مسلمانان بر مصر، تمام منطقه از قلمرو حاکمیت مسیحیت مدیترانه‌ای خارج شد. در سال ۱۰۰۰ م. سودان هنوز هم کشوری مسیحی و غیر مشرک محسوب می‌شد، با وجود این بسیاری از مردم خارج از سودان، این کشور را نمی‌شناختند.

امروزه مسیحیت به‌طور کامل در سودان فراموش شده است و اسلام، مذهب ۷۵٪ از مردم سودان را تشکیل می‌دهد (بقیه مردم بت پرست هستند) و عربی، زبان بیش از ۵۰٪ از مردم این کشور می‌باشد. غلبه مسلمانان با تغییر کیش چادر نشینان صحرای شمال شرقی در سده ۱۲ م. آغاز شد. در سده بعدی، مسلمانان بر نوبه دست یافتند و در سده چهاردهم منطقه خرطوم را تصرف کردند. بردگانی که در طول تصرف سودان، از تمامی جمعیت گرفته شدند، اکنون به وسیله تهاجمات به جنوب سیاه پوست نشین و حبشه به بند می‌آمدند. تعداد بردگانی که صادر شدند، به آرامی از ۱۰۰۰ نفر در هر سال، در سده شانزدهم به حداکثر ۱۰۰۰۰ نفر در طول یک سال در سده نوزدهم افزایش یافت.

انزوای سودان سرانجام توسط نیروهای نظامی فرعون جدید مصر، خدیو محمد علی، به پایان رسید. سربازان وی که به شیوه غربی مجهز شده بودند، در مدتی کوتاه سلطانهای سیاه پوست سودان مرکزی را نابود کردند. آنان حتی ورای منطقه مسلمانان نفوذ کردند و ایالتی جدید در جنوب - به‌طور کامل سیاه پوست و مشرک - را به قلمرو خود افزودند. اما با گذشت سالها و ظهور ناجی محلی در شخص مهدی حکومت مصر به‌طور روز افزونی منقرض شد و رؤیای تنها امپراتور برای دره نیل به پایان رسید. از ۱۸۸۱ تا ۱۸۹۸، مهدی و جانشینانش بر سودان مستقل حکومت می‌کردند؛ سپس بریتانیاییها پیدا شدند و حاکمیت استعماری را تحمیل کردند. هیچ مبنایی برای این ادعای بریتانیا وجود ندارد چرا که بیرحمیهای حکومت مهدی، کاهش و شکافی در ارقام قبلی جمعیت به وجود آورده بود. جمعیت سودان احتمالاً در حدود ۶ میلیون نفر ثابت باقی ماند.

سودان در تحت حاکمیت بریتانیا پیشرفت کرد. تانیمه سده حاضر، جمعیت سودان به ۹ میلیون نفر (۵۰٪) افزایش یافت. از آن زمان، میزان رشد جمعیت، شتاب بیشتری یافته است. اکنون جمعیت سودان به ۱۳ میلیون نفر بالغ می‌شود و تا پایان این قرن، احتمالاً این رقم به عدد ۲۰ میلیون نفر خواهد رسید.



افریقا ۶

/ جمعیت سودان در ۱۹۹۰ م. : ۰۰۰ / ۷۹۶ / ۲۷ نفر /

منابع اولیه و کتابشناسی

نخستین تخمینهای قابل اعتماد درباره جمعیت سودان توسط مقامهای بریتانیایی در طول نیمه نخست این سده منتشر شد. درستی کلی این تخمینها به وسیله سرشماری نمونه‌ای که در آستانه استقلال سودان در سالهای ۶-۱۹۵۵ انجام شد، مورد تأیید قرار گرفت که بر مبنای آن جمعیت سودان ۱۰/۲۶۰/۰۰۰ نفر بود. قیاسهای مبتنی بر معلومات از این بررسی مجزا، در طول ۷۰ سال اولیه این سده بسیار ضعیف است. این ضعف بررسیها با مقایسه بین تخمین رسمی جدید سودان برای سال ۱۹۷۳ (۱۷ میلیون نفر) با نتیجه‌گیری از شمارش جدیدی که در همین سال صورت گرفته است (۱۲/۴ میلیون نفر) آشکار می‌شود. این مسأله یادآور دقت آمارهای افریقاییان است.

برای نخستین شمارش به: *The Population of the Sudan* چاپ Philosophical Society of (1958) *the Sudan* مراجعه کنید. تنها ارقام ابتدایی که در دسترس هستند، به عنوان سرشماری دوم محسوب می‌شوند. برای اطلاع از تجارت برده در این منطقه نگاه کنید به:

Y.F. Hasan, The Arabs and the Sudan (1967), J.R. Gray, A History of the Southern Sudan 1839-89 (1961) and R.S.O, Fahey and J.L. Spaulding, Kingdom of the Sudan (1974).

افریقا ۷

کشورهای ساحل (موریتانی، مالی، نیجر و چاد) ۵/۰۰۰/۰۰۰ کیلومتر مربع

ساحل منطقه‌ای واقع در جنوب صحرا و مجاور آن است. این منطقه برای حمایت از زندگی چوپانی بسیار پرباران است اما ریزش باران برای محصولات کافی نیست. حکومت‌هایی که از نظر جغرافیایی در این ناحیه تمرکز یافته‌اند - از غرب به شرق عبارتند از: موریتانی، مالی، نیجر و چاد - مناطقی در شمال و جنوب را نیز در بر می‌گیرند، به طوری که این مناطق شامل باریکه بزرگ صحرائی و باریکه کوچکتر سرزمین زراعتی می‌شود. در حالی که تراکم جمعیت در صحرا تقریباً صفر است، در ساحل پایین و در منطقه مزروعی زیاد است و مراکز جمعیتی پرکشش تمام کشورهای ساحل در نزدیکی مرزهای جنوبی آن قرار دارد.

توزیع واقعی مساحت بین کشورهای متفاوت ساحل بدین قرار است:

| | | |
|--|----------|-----|
| ۱/۱۵ میلیون کیلومتر مربع (حدود ۸۰٪ از آن صحراست) | موریتانی | ۱-۷ |
| ۱/۲۵ میلیون کیلومتر مربع (حدود ۴۰٪ از آن صحراست) | مالی | ۲-۷ |
| ۱/۳۰ میلیون کیلومتر مربع (حدود ۴۰٪ از آن صحراست) | نیجر | ۳-۷ |
| ۱/۳۰ میلیون کیلومتر مربع (حدود ۴۰٪ از آن صحراست) | چاد | ۴-۷ |

نیمی از تمام منطقه، صحرائی و یک سوم آن مرتعی نامرغوب است. یک ششم باقیمانده در

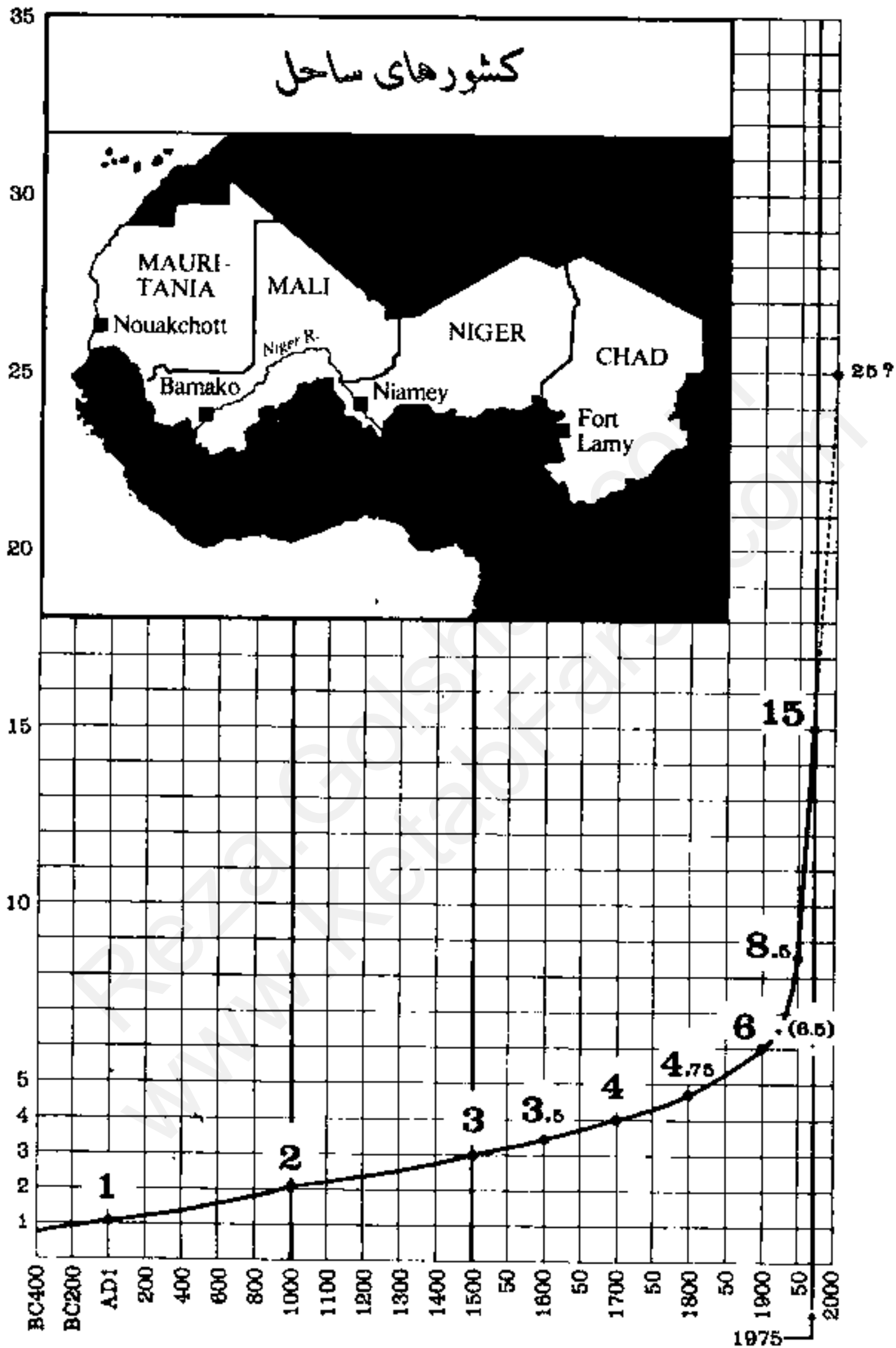
زمینهای زراعتی دارای توان بالفعل واقع شده است که تنها بخشی از آن استفاده می شود.

تاپیش از پیدایش کشاورزی و دامپروری، غیر محتمل است که جمعیت منطقه کشورهای ساحل کنونی بیش از ۵۰/۱۰۰۰ نفر بوده باشد. زندگی چوپانی و زراعتی جمعیتی را بوجود آورده بود که به سختی کمتر از نیم میلیون بوده است. با وجود این، تاریخ انتقال در مجموع تیره و تار است، اما هیچ دلیلی مبنی بر بالا انگاشتن تعداد جمعیت به ۵۰/۱۰۰۰ نفر - پیش از ۳۰۰۰ ق.م. و یا دستیابی به جمعیت نیم میلیون نفر پیش از ۱۰۰۰ ق.م. وجود ندارد. مطابق این رقم آخر، میزان افزایش جمعیت نیازمند آن است که به مجموع ۱ میلیون نفر در اول میلادی و ۲ میلیون نفر در ۱۰۰۰ م. اعتقاد یابیم.

اعراب تاریخ نگار مغرب، تصویری روشن و منطقی از منطقه ساحل در طول سده های بعدی به دست می دهند. قبایل پراکنده بربری بیشماری در کنار ساحل وجود دارد که هنوز هم تراکم جمعیت اندک آنها از نظر نژادی آمیخته ای از چوپانان ساحل و تمرکزی نسبتاً متراکم از برزگران سیاه پوست در امتداد رود نیجر میانی است، جایی که پیچ و خمهای این رود به سوی شمال از میان ساحل می گذرد. این وضعیت در جنوب، در منطقه زراعتی، شبیه زیستگاههای پرتراکم جمعیتی کشاورزان سیاه پوست است. نیجر میانی، مرکز سیاسی منطقه و نقطه حرکت کاروانهایی بود که هم اکنون به طور منظم در کناره صحرا آمد و شد می کنند.

دو کالایی که این کاروانها در سفرهای خود به سوی شمال حمل می کردند، طلا و برده بود. همه محصول طلا و احتمالاً بیشتر بردگان از سرزمینهای واقع در جنوب کشورهای ساحل آورده می شدند، اما حتی اگر بردگان همگی ساحلی بودند، تعدادی که حمل می شد، کوچکتر از آن بود که بتواند تأثیری مستقیم بر ارقام جمعیت منطقه داشته باشد. بحث درباره تعداد ۱۰۰۰ یا ۲۰۰۰ نفر در طول یک سال - است که کسر قابل توجهی در جمعیت، درازای ۲ میلیون نفر بیش از اندازه نمی باشد. تأثیر مهمتر بر رفت و آمد کاروانها، اسلام آوردن چادر نشینان صحرا و ساحل بود. دین جدید به مناطق جنوبی تر نفوذ نکرد و کشاورزان سیاه پوست منطقه زراعتی، سرسختانه بت پرست باقی ماندند. این تأثیر هنوز هم امروزه قابل مشاهده است: در موریتانی ۸۰٪ از مردم چوپانند و ۹۰٪ مسلمان؛ در چاد، دیگر کشور منتهی الیه ساحل، تنها ۱۰٪ از مردم چوپان و ۴۰٪ مسلمان می باشند.

رشد جمعیت در کشورهای ساحلی در اواخر سده های میانه و اوایل دوران جدید، کند و غیر یکنواخت بود. هنگامی که این بطوطه، این منطقه را در سده چهاردهم میلادی در نوردید، احتمالاً ۳ میلیون نفر جمعیت داشته است. در ۶ سده بعد تحول زیادی به وقوع نپیوست و هنگامی که فرانسویها در



الفریقا ۷

(جمعیت کشورهای ساحل در ۱۹۹۰ م.: ۰۰۰/۸۰۷/۲۶ نفر)

اوایل دهه ۱۹۰۰ به این کشورها پای گذاشتند، با جامعه‌ای که تعداد جمعیت آن به کندی افزایش یافته بود (تقریباً ۶ میلیون نفر) و ساختار قرون وسطایی خود را حفظ کرده بود، مواجه شدند.

فرانسه منافع زیادی را از طریق استعمارگری به همراه آورد - صلح و اداره اجرایی منظم - و در ۱۹۵۰، ثمرات این خط مشی‌ها در افزایش جمعیت تاسقف ۸/۵ میلیون نفر پدیدار شد. در ۱۹۶۰ هنگامی که ایالت‌های تحت سلطه فرانسه به حکومت‌های مقتدری تبدیل شد، کشورهای ساحل درگیر و دار انفجار جمعیت بودند، که از ویژگی‌های جهان سوم است؛ و پیش‌بینی می‌شود که تا سال ۱۹۷۵ م. جمعیت این کشورها ۱۶ میلیون نفر و یا بیشتر باشد. خشکسالی شدیدی که ساحل در اوایل دهه ۱۹۷۰ دچار آن شد، از رسیدن جمعیت به این سطح جلوگیری کرده است. جدای از مرگ و میرهای فراوانی که مستقیماً با قحطی ارتباط دارد، مهاجرت یکنواخت مردم به سوی جنوب، به منطقه زراعتی و به دور از ساحل وجود داشته است. بهترین تخمینها مربوط به سال ۱۹۷۵ که بر مبنای آن جمعیت حدود ۱۵ میلیون نفر می‌باشد (موریتانی ۱/۲۵۰/۰۰۰ نفر، مالی ۵/۵۰۰/۰۰۰ نفر، نیجر ۴/۵۰۰/۰۰۰ نفر و چاد ۳/۷۵۰/۰۰۰ نفر). خشکسالی آغازین دهه ۱۹۷۰ در حد خود مصیبت بار بوده است. این ترس وجود دارد که این خشکسالی سرآغاز مرحله‌ای باشد که تمام منطقه ساحل را به جنوب تغییر مکان خواهد داد. هیچ نیازی برای تأکید بر این مسأله وجود ندارد که چگونه این حوادث برای کشورهای ساحل، همان‌گونه که امروزه از آن تعبیر می‌شود، فاجعه انگیز خواهد بود و چگونه چنین تغییراتی در آب و هوا چشم‌انداز درازمدت جمعیت‌نگاری را تغییر خواهد داد.

منابع اولیه و کتابشناسی

مقامهای اجرایی فرانسه تخمینهای جمعیتی کوتاه مدتی را بعد از آنکه فرانسویها در اوایل قرن بیستم به منطقه راه یافتند، آغاز کردند. این تخمینها، که غالباً به اشتباه از آنها به سرشماری یاد می‌شود، در کتابهای راهنمای معمولی به چاپ می‌رسید. حکومت‌های مستقلی که در ۱۹۶۰ پدید آمدند، برخی شمارشهای نمونه‌ای کوچک مقیاس را انجام داده‌اند (موریتانی ۵-۱۹۶۴، مالی ۶۱-۱۹۶۰، نیجر ۶۰-۱۹۵۹ و چاد ۴-۱۹۶۳) اما هیچ کشوری تاکنون در جهت محاسبه کامل جمعیت تلاش نکرده است.

افریقا ۸

افریقای غربی ۲/۶۰۰/۰۰۰ کیلومتر مربع
۸-۱ گینه (تمام افریقای غربی بجز نیجریه) ۱/۶۸۰/۰۰۰ کیلومتر مربع
۸-۲ نیجریه ۹۲۰/۰۰۰ کیلومتر مربع

افریقای غربی، مهد نژاد سیاه است. ۲۲۵ میلیون سیاه پوست افریقای کنونی به اضافه ۱۰۰ میلیون سیاه پوست و سیاه پوست دورگه قاره آمریکا از ۱۰۰/۰۰۰ نفری که در این منطقه در طول دوران میانه سنگی می زیستند، سرچشمه گرفته اند. تنها نژاد سیاه پوست قابل اهمیت دیگر، مردم نیل - صحرائی هستند که در سودان تمرکز یافته اند و به بیش از ۳۰ میلیون نفر بالغ می شوند.

گسترش عددی سیاه پوستان، با توسعه تکنولوژی دوران نوسنگی آنان آغاز می شود. تاریخ افریقای غربی در حاله ای از ابهام قرار دارد، اما به طور کلی هزاره سوم پیش از میلاد به عنوان نقطه شروع آن، همراه با افزایش کند بعدی در جمعیت افریقای غربی تا سطح ۱ میلیون نفر در ۱۰۰۰ ق.م. پذیرفته شده است. انگیزه جدیدی با ورود مهارت های فنی کار با آهن، تقریباً در ۲۵۰ ق.م. به وجود آمد. این مهارت های مبنایی را برای حرکت سریعتر به سوی بالا فراهم کرد که مجموع جمعیت را در سال اول میلادی به ۳ میلیون نفر رساند. میزان واقعی رشد جمعیت بیش از این مقدار بود، چون تا پایان این دوره، سیاهان نیجریه شروع به رفتن به سوی شرق، به درون کامرون کردند. این توسعه که سرانجام سرزمین بانتویی افریقای مرکزی، شرقی و جنوبی را پدید آورد، در عصر نخستین آهن در افریقای غربی، نخستین گام خود را بر می داشت. احتمالاً کار با آهن، توسط بربرهای صحرا، از مغرب به افریقای غربی راه یافت. یقیناً در سرتاسر صحرا همراه با تهیه منسوجات و دیگر تولیدات، توسط مغرب و طلا و برده توسط افریقای غربی،

در هزاره اول میلادی گسترش یافت. در ۱۰۰۰ م. تعداد هزار برده و در ۱۵۰۰ م. ۲۰۰۰ برده در طول یک سال به مغرب گسیل شده‌اند. این ارقام از اهمیت جمعیت نگاری کمی برای مجموع جمعیت افریقای غربی که در ۱۰۰۰ م. به ۷ میلیون نفر و در ۱۵۰۰ به ۱۱ میلیون نفر رسید، برخوردار است. بیشترین میزان تقاضا برای فرستادن برده سالانه به کمتر از ۰/۲٪ بالغ می‌شود.

بازار فروش جدیدی برای داد و ستد برده در نیمه دوم سده پانزدهم، هنگامی که دریانوردان پرتغالی سرانجام بر جغرافیای ساحل افریقای غربی تسلط یافتند به وجود آمد. در طول ۱۰۰ سال بعد، این مسیر دریایی در انحصار پرتغالی‌هایی قرار گرفت که بردگان سیاه پوست را به اروپا، جزایر اقیانوس اطلس و امریکا عرضه می‌داشتند. تجارت برده با اروپا، آشکارا از اهمیتی برخوردار بود و هرگز به میزانی بالاتر از ۱۰۰۰ نفر در طول یک سال نرسید و در نیمه سده شانزدهم به پایان خود رسید. جزایر اقیانوس اطلس، در حدود ۲ برابر این تعداد، تا پایان سده شانزدهم وارد می‌کردند و داد و ستد تا صفر سقوط کرد. امریکا مسأله‌ای متفاوت بود: اقتصاد مستعمره نشینهای اروپایی که در امریکا بنیان نهاده شد، بزودی در کارهای سخت زراعتی که به درون ده یکنواخت بردگان جدید نیاز داشت، به استقلال دست یافت. تقاضای آنها در ده‌ها از هزارها محدود می‌شد و پرتغالی‌ها هیچ‌گاه از آن خشنود نشدند. شکست پرتغالی‌ها، راه را فراسوی و رود هلندی‌ها گشود.

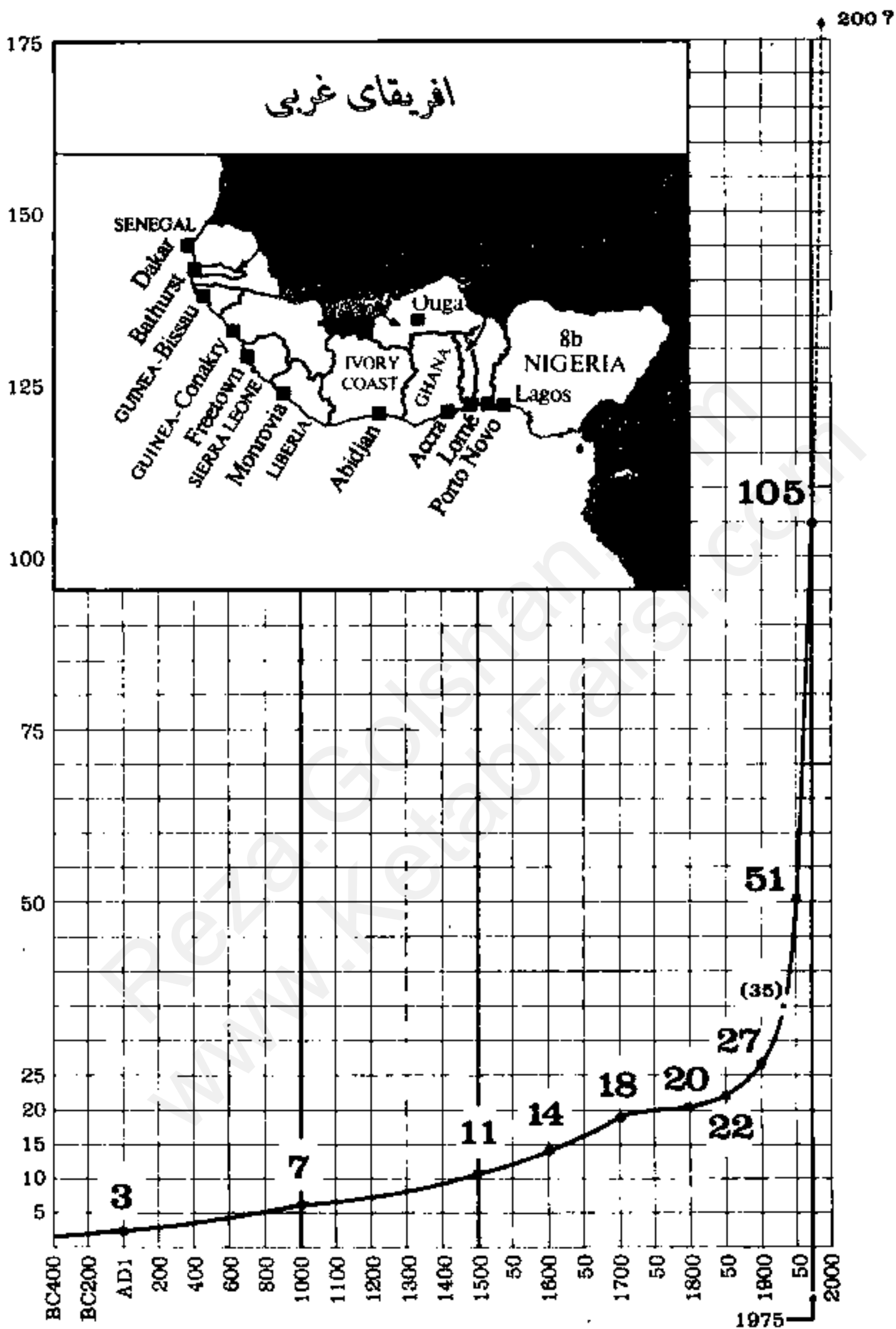
هلند در تجارت برده در اقیانوس اطلس، تحولی ایجاد کرد. آنان میزان سالانه حمل برده با کشتی از افریقا را در مجموع از ۵۰۰۰ نفر در ۱۶۰۰ م. به ۲۵/۰۰۰ نفر در ۱۶۷۵ م. افزایش دادند - حتی این تعداد نیز کافی نبود. بریتانیا جانشین هلند شد و میزان ورود بردگان را بار دیگر افزود. تا سال ۱۷۸۵، ۷۵۰۰۰ سیاه پوست در درون کشتیهای برده داران اقیانوس اطلس، در هر سال سوار می‌شدند. از این تعداد، ۴۵۰۰۰ نفر (۶۰٪) از سیاهان افریقای غربی بودند. در مجموع جمعیت افریقای غربی اکنون به حدود ۱۹ میلیون نفر افزایش یافته بود که این رقم با وصول مالیات سالانه ۰/۲۵٪ مطابقت دارد.

تأثیر داد و ستد برده بر تعداد جمعیت افریقای غربی بسیار مورد بحث قرار گرفته است. برخی از کاهش جمعیت صحبت کرده‌اند و برخی دیگر هر تأثیر در خور توجهی را انکار نموده‌اند. بانگاهی ساده، میزان رشد طبیعی منطقی جمعیت در این زمان، ۰/۳۵٪ در هر سال بود (معادل با ده برابر شدن جمعیت در هر ۲۰۰ سال). بنابراین دلیلی وجود ندارد تا بپذیریم که حتی بالاترین میزان بهره از تجارت برده در افریقا بیش از کاهشی در میزان رشد موجب شده باشد. دیگر عوامل آشکارا تأثیر خود را دارند و موضوع را پیچیده می‌کنند. برده فروشی، جنگ را بین حکومت‌های ساحلی افریقا که بردگان را عرضه

می‌داشتند و افریقاییهای دور از کرانه‌های ساحلی که مواد خام این داد و ستد بودند تشویق می‌کرد. برده فروشی، جوانانی را که در حال وارد شدن به دوران بلوغ بودند، از جامعه افریقا می‌گرفت. از سوی به ازای یک زن، سه مرد به بردگی گرفته می‌شد و چند همسری به راهی دراز برای جبران این فقدان نیازمند بود. باور ناخوشایند این است که تجارت برده میزان معینی موفقیت مادی را برای حکومت‌های برده دار کامیابی همچون حکومت آشانتی^{۳۴} ساحل طلا و نیز سوق دادن به پیدایش محصولات غذایی جدیدی همچون مانیوک و ذرت که منجر به بهبودی کلی رژیم غذایی محلی شد، به همراه داشت. در مجموع به نظر می‌رسد که بهترین راه این است که ارقام را در ارزش صوری آن فرض کنیم و بپذیریم که رشد جمعیت افریقای غربی، هرگز متوقف نشده است؛ اما در اوج تجارت، در اواخر سده هجدهم، میزان افزایش جمعیت بشدت کاهش یافت.

تا پایان سده هجدهم، شقاوت ذاتی در برده داری، وجدان اروپاییان را آزار می‌داد. بریتانیا که بیشترین درآمد را از تجارت برده به دست آورده بود، به نخستین کشور مهمی تبدیل شد که برده فروشی را غیر قانونی اعلام کرد و تا اوایل سده نوزدهم، بریتانیاییها پولهای را برای جلوگیری از برده فروشی صرف می‌کردند. از آن جمله می‌توان تأسیس فری تاون^{۳۵} را در سال ۱۷۹۲ ذکر کرد که همچون بهشتی برای بردگانی بود که در انگلستان آزاد شده بودند و در نتیجه فقیر و بینوا بودند. هرگز بیش از ۱۰۰ نفر از بردگان در فری تاون وجود نداشتند و این فقط مربوط به دوران بعد از جنگهای ناپلئون بود که در آن هنگام اسکادران سلطنتی ضد برده‌داری دریایی، شروع به عملیاتی در خلیج گینه کرد و فری تاون به عنوان مکانی رسمی در خشکی برای تمام بردگانی که در قلمروهای برده داران ممنوع شده پیدا می‌شدند، طرح ریزی شد و این زیستگاه شروع به توسعه گذاشت. حدود ۶۰/۱۰۰۰ برده آزاد شده، بین سالهای ۱۸۱۹ تا ۱۸۵۹ به ساحل فری تاون پای گذاشتند؛ فری تاون شروع به رشد کرد و سرانجام، پایتخت مستعمره نشین بریتانیایی سیرالئون شد.

۵۰ سال بعد از الفای رسمی، تجارت برده همچنان بر جای بود. تقریباً دو سوم از یک میلیون جمعیت افریقای غربی در طول سالهای ۱۸۱۰ تا ۱۸۶۰ به اجبار از وطن خود ربوده شدند. میزان جلوگیری نیروی دریایی سلطنتی در مقابل برده‌داری از ۱۰٪ پافراتر نهاد. اما در پایان، خط مشی‌های سیاسی حکومت عالی رتبه چیره شد و حتی تلاشی در راستای حرکت در جهت مخالف انجام شد و در این حال سیاهان امریکا در گینه اقامت گزیدند. ناگفته پیداست که تلاش هرگز بیش از آنچه که انجام شد، نبود و هر چند این تلاشها زیربنای افسانه لیبریا است که ساکنان آن از نسل بردگان آزاد شده



Africa Area 8

امریکایی هستند، کمتر از ۱۰/۰۰۰ سیاه پوست امریکایی پیش از این بدین سرزمین پای نگذاشت. تنها گروهی که دارای ادعایی منطقی می‌باشند که از نسل آنانند، عبارتند از ۲۰/۰۰۰ امریکایی - لیبریایی که امروزه لیبریا و به مانند همیشه ۱/۷۵۰/۰۰۰ بومی موجود را اداره می‌کنند.

دوران استعمار در تاریخ افریقای غربی، در مقایسه، کوتاه بود. تجارت برده از تعدادی از بنادر در ساحل جریان یافت و هیچ کس تلاشی را برای اعمال نظارت اجرایی بر مناطق داخلی انجام نمی‌داد. تلاش اروپا برای افریقا در طول دوران ۱۸۹۰ تا ۱۹۱۰ این تصویر را به طور کامل تغییر داد و تمام منطقه بجز لیبریا، بین بریتانیا، فرانسه، آلمان و پرتغال تقسیم شد. پرتغالیها به منطقه گینه بیسائو^{۳۷} محدود شدند و در طول جنگ اول جهانی، بریتانیا و فرانسه، جایگزین آلمان شدند. در تقسیم بندی نهایی، فرانسه به تقریباً نیمی از ناحیه دست یافت، اما با کمی بیش از یک چهارم جمعیت. این بدان علت بود که باریکه اصلی متعلق به بریتانیا در شرق قرار داشت، جایی که آنان بر قطعه‌ای از ناحیه پر جمعیت حاکمیت داشتند که نیجریه کنونی را تشکیل می‌دهد.

بی‌گمان رشد جمعیت در طول دوران استعمار شتاب بیشتری یافت و مجموع جمعیت افریقای غربی از ۲۷ میلیون نفر در سال ۱۹۰۰ به ۳۵ میلیون نفر در ۱۹۲۵ و ۵۱ میلیون نفر تا ۱۹۵۰ م. رسید. رشد جمعیت بار دیگر از زمان استقلال شتاب بیشتری یافت و اکنون میزان افزایش جمعیت بسیار زیاد است، به طوری که انتظار می‌رود جمعیت دست کم در طول ۲۵ سال بعد به دو برابر افزایش یابد. این بدان مفهوم است که تا سال ۲۰۰۰ جمعیت افریقای غربی تقریباً ۲۰۰ میلیون نفر خواهد بود و نیجریه - پر جمعیت ترین کشور افریقایی - حدود ۱۲۰ میلیون نفر سکنه خواهد داشت. همان طوری که جدول نشان می‌دهد، دیگر کشورها بسیار کوچک هستند تا بتوانند هر یک از آنها ۲۰ میلیون جمعیت داشته باشند و مجموع جمعیت آنها در سطح ۸۰ میلیون نفر خواهد بود.

جزایر دماغه سبز (دماغه ورد)^{۳۷}

جزایر دماغه سبز، مجموع جزایری هستند که مساحت آنها مجموعاً ۴۰۰۰ کیلومتر مربع است و در ۴۰۰ مایلی غرب دماغه سبز، غربی ترین نقطه افریقا (نک تصویر ۳-۱) واقع شده‌اند. این جزایر در سال ۱۴۵۶ توسط پرتغالیها کشف شد و از ۱۴۶۲ در آن سکونت گزیدند. جمعیت آنها را که عمدتاً بردگان افریقایی تشکیل می‌دهد، در سال ۱۵۸۰ به ۱۰۰۰۰ نفر، در ۱۷۰۰ به ۲۰۰۰۰ نفر و در ۱۸۰۰ به ۶۰۰۰۰ نفر رسید. به نظر می‌رسد که در نیمه نخست سده بیستم، جمعیت آنها به سطح ۱۵۰۰۰۰ نفر

رسیده باشد، اما از سال ۱۹۵۰، این تعداد ۲ برابر شده است و به مجموع کنونی ۳۰۰/۰۰۰ نفر رسید که ۹۵٪ از آنها افریقایی هستند.

تخمین جمعیت کشورهای کنونی افریقای غربی ۱۹۲۵-۲۰۰۰ م.

| پیشینی جمعیت | جمعیت (بیلیون) | وضعیت استعماری (تقریباً نیمه نخست سده بیستم) | مساحت (۱۰۰۰۰ کیلومتر مربع) | | | |
|--------------|----------------|--|----------------------------|------|------|----------------|
| ۲۰۰۰ [۱۹۹۰] | ۱۹۷۵ | ۱۹۵۰ | ۱۹۲۵ | | | |
| ۹ | ۷/۵ | ۴/۵ | ۲ | ۱/۶ | ۱۹۹ | سنگال |
| ۱ | ۰/۸ | ۰/۵ | ۰/۳ | ۰/۲ | ۱۰ | گامبیا |
| ۰/۸ | ۰/۶ | ۰/۵ | ۰/۵ | ۰/۴ | ۳۹ | گینا بیسائو |
| ۹ | ۶/۷ | ۴/۵ | ۲/۲ | ۱ | ۲۴۹ | گینه-کوناکری |
| ۶ | ۳/۶ | ۲/۶ | ۱/۶ | ۱/۷ | ۷۲ | سیرالئون |
| ۳/۶ | ۲/۵ | ۱/۸ | ۱ | ۰/۷ | ۱۱۱ | لیبیا |
| ۱۱ | ۱۲/۳ | ۶/۷ | ۳ | ۲ | ۳۲۲ | ساحل عاج |
| ۱۱ | | ۵/۸ | ۳/۱ | ۲/۵ | ۲۷۴ | وژهای ملیا |
| ۱۸ | ۱۴/۳ | ۹/۸ | ۴/۵ | ۲/۵ | ۳۳۹ | فئا |
| ۵ | ۳/۶ | ۲/۲ | ۱ | ۰/۸ | ۵۷ | توگو |
| ۶ | ۴/۶ | ۳ | ۱/۵ | ۱ | ۱۱۳ | بنن |
| | | | | | | مجموع منطقه: |
| ۵۰ | ۴۲ | ۲۱ | ۱۵/۵ | | ۱۹۶۹ | ۱-۱ گینه |
| ۱۲۰ | ۱۱۷ | ۶۳ | ۲۰ | ۱۹/۵ | ۹۲۴ | ۲-۸ نیجریه |
| | | | | | | مجموع منطقه در |
| ۲۰۰ | ۱۰۵ | ۵۱ | ۲۵ | | ۲۹۰۰ | افریقای غربی |

منابع اولیه و کتابشناسی

نخستین اطلاعات کمی دربارهٔ افریقای غربی از داد و ستد برده منشأ گرفت. این موضوع اخیراً توسط کورتین Curtin^۱ مورد بررسی مجدد قرار گرفته است. بررسی وی مبنایی اساسی برای هر بحثی در این زمینه است. زمینهٔ کمی تأثیر تجارت توسط J.D.Fage در همکاریش با *The Population Factor* (ed. R.P.Moss and R.J.A.R.Rathbore, 1975) بیان شده است. در حقیقت اطلاعات بسیار اندکی دربارهٔ جمعیت در دوران پیش از استعمار وجود دارد. تحقیقات موجود دربارهٔ مناطق زیر سلطهٔ بریتانیا در جلد نخست Kuezynski^۲ گرد آمده است.

از سال ۱۹۰۰ بدین سوی، تمام کتابهای راهنمای رسمی، ارقام جمعیت را ارائه می‌کند. این آمار تا بعد از جنگ دوم جهانی، تنها، حدسهای آموزشی بودند؛ چون شمارشهای اصلی واقعی هنوز به مناطق ساحلی اندکی محدود می‌شدند و عقاید دستگامهای اجرایی محلی در این باره که چند نفر در مناطقتشان زندگی می‌کنند، مبنایی برای مجموع اعداد بود. نخستین سرشماری عمومی در ۱۹۴۸ در غنا (که در آن زمان ساحل طلا نامیده می‌شد) انجام شد. در پی آن، شمارش موقتی در گینه بیسائو در ۱۹۵۰، شمارش جزئی در ۱۹۵۲-۳ در نیجریه شمارشهای معتبری در لیبیا در ۱۹۶۲ و در گامبیا و سیرالئون در ۱۹۶۳ صورت گرفت.

در مجموع با در نظر گرفتن میزان منطقی رشد جمعیت، این شمارشها، تخمینهای پیش از جنگ را تأیید کرده است. جمعیت لیبیا بیش از حد واقع تخمین زده شده است (تخمین سال ۱۹۶۲، ۲/۵ میلیون نفر است، در حالی که سرشماری ۱/۰۱۶/۰۰۰ نفر می‌باشد). مورد شگفت انگیز واقعی، شمارش دوم نیجریه بود که بعد از دستیابی این کشور به استقلال در ۱۹۶۲ انجام شد. این شمارش افزایش جمعیت زیادی را نشان می‌دهد که یا اعداد سالهای ۱۹۵۲-۳ و یا ارقام جدید باید اشتباه باشد. چون انگیزه سیاسی برای بالا بردن زیاد ارقام آشکار بود - بر طبق قانون اساسی نیجریه، قدرت، شکوه و دیگر چیزهای خوب در حکومت به تناسب جمعیت تک تک کشورها بین آنها توزیع شده است - به طور کلی پنداشته شد که ارقام جدید بسیار زیاد بود. شمارش مجددی برای سال بعد تنظیم شد، اما اکنون هر کسی در جریان کار قرار داشت و انجام مجدد سرشماری ۱۹۶۳، افزایش بیشتری را نشان می‌داد. آخرین سرشماری در طی مجموعه آنها، در ۱۹۷۳، رقم ۷۹ میلیون نفر را در مقابل تخمین سازمان ملل متحد ارائه کرد که پیش از این در مرتبهٔ بالایی قرار داشت، چون این رقم مبنای انجام مجدد

سرشماری ۱۹۶۳ (۵۹ میلیون نفر) بود. برای گزارشی موافق با این وضعیت به مقاله‌ای نوشته R.M.Prothero در *The Geographical Magazine* با عنوان *Nigeria Loses Count* (۱۹۷۴) نگاه کنید. وضعیت جاری بدین ترتیب است که گامبیا (سرشماری دوم ۱۹۷۳)، سیرالئون، لیبیا، غنا (سرشماریهای مجدد ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰)، گینه بیسائو (سرشماریهای مجدد ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰) و توگو و ساحل عاج (سرشماریهای اولیه ۱۹۷۰ و ۱۹۷۵ و به همین نسبت) آمار جمعیتی را با یقین منطقی ارائه کرده‌اند. در سنگال، گینه کوناکری، ولتای علیا و بنین، سرشماریهای نمونه‌ای انجام گرفته است (در ۱۹۵۵ تا ۱۹۶۱ و همین‌طور نیز ساحل عاج) که نظم قابل اهمیت جمعیتشان را پدیدار می‌سازد. هیچ‌کسی نمی‌داند که جمعیت نیجریه با ۱۰ میلیون بالاتر و یا پایین‌تر از آن با چه نسبت افزایش رشد یافته است.

Reza.Golshahan.com
www.KetabFarsi.com

آفریقا ۹

| | |
|-------------------------|------------------------|
| استوائیه، زئیر و آنگولا | ۵/۳۵۰/۰۰۰ کیلومتر مربع |
| ۱-۹ استوائیه | ۱/۷۵۰/۰۰۰ کیلومتر مربع |
| ۲-۹ زئیر | ۲/۳۵۰/۰۰۰ کیلومتر مربع |
| ۳-۹ آنگولا | ۱/۲۵۰/۰۰۰ کیلومتر مربع |

حوضه رود زئیر - که در گذشته کنگو نامیده می شد - وطن پیگمه هاست. پیگمه ها از نژادهای باستانی انسان هستند که احتمالاً بیش از هزاران سال زیسته اند و قدمت آنان دست کم به آخرین عصر یخبندان می رسد. امروزه حدود ۲۰۰/۰۰۰ پیگمه وجود دارد. هنگامی که آنان تنها ساکنان منطقه محسوب می شدند، تعدادشان کمی بیش از این تعداد بوده است، اما هیچ دلیلی وجود ندارد که باور کنیم تعداد این مردم شکارچی باشیوه های ساده، به بیش از ۲۵۰/۰۰۰ نفر بالغ می شده است. ما می توانیم رقم ۲۰۰/۰۰۰ نفر را در زمانی که جمعیت در طول ۱۰۰۰۰ تا ۱۰۰۰ ق.م. در نوسان بود به عنوان مقیاسی بپنداریم.

بین ۱۰۰۰ ق.م. و اول میلادی، دو دسته جدید از مردم شروع به نفوذ در منطقه کردند. یک گروه از سودان در شمال شرقی، جایی که شیوه زندگی چوپانی بوده است و توسط قبایل نیل - صحرائی گسترش یافته بود. این مهاجرت هیچ گاه از کناره شمالی منطقه، تنها پهنه مناسب برای چوپانی، پافراتر نگذاشت و حتی در این ناحیه محدود نیز تراکم جمعیت پایین باقی ماند. احتمال ندارد که مجموع این جمعیت، به علاوه تعداد ورودی مردم نیل - صحرا از ۱۰۰/۰۰۰ نفر تجاوز کرده باشد.

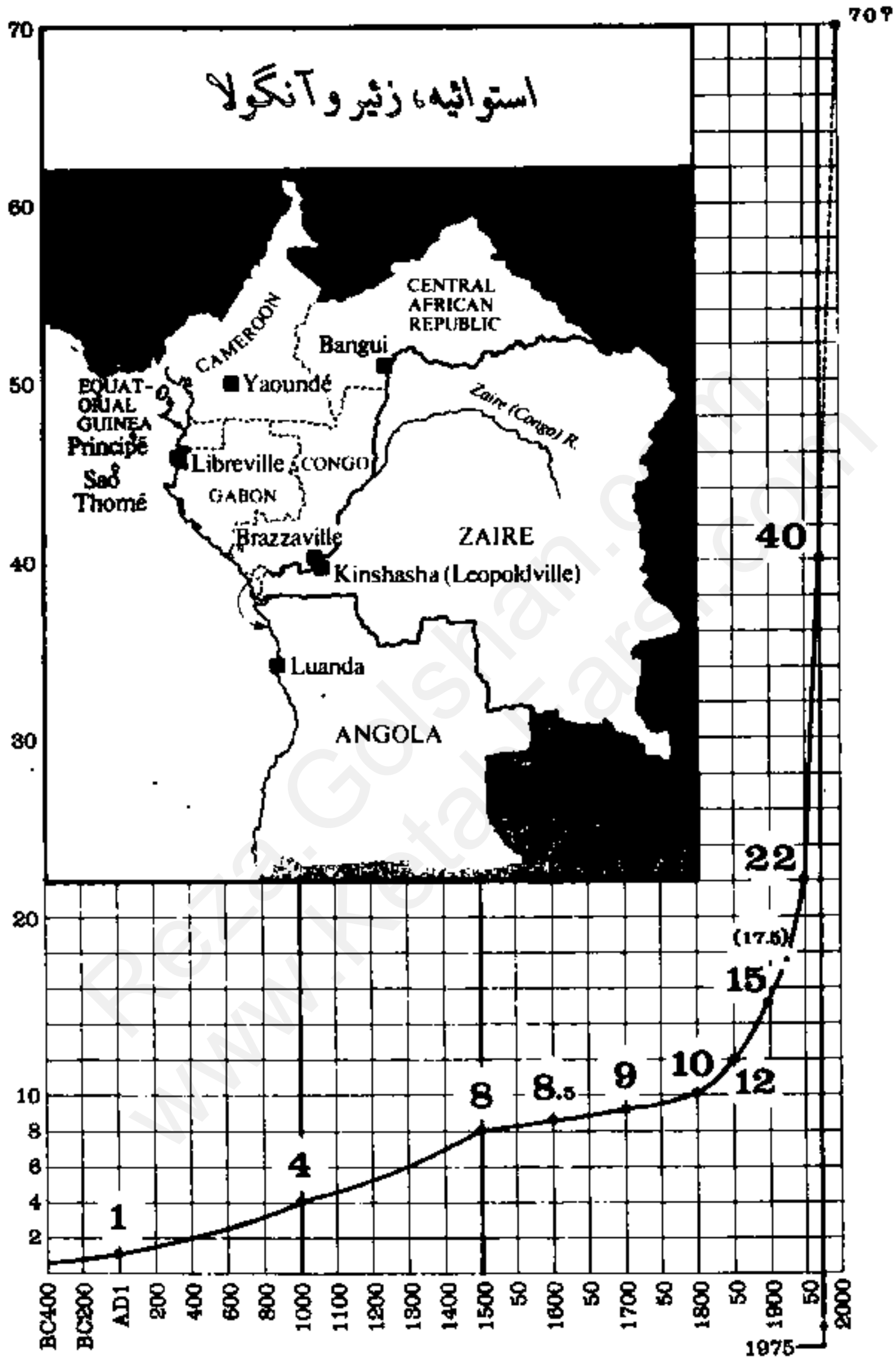
تهاجم بانتو، از این بسیار مهمتر بود. مردم بانتو، از نیجریه که سیستم کشاورزی را گسترش داده بودند، از طریق سرزمینهای مرتفع کامرون به درون شمال حوضه رود زئیر نفوذ کردند. در حالی که مسیر

حرکت آنان به سوی شرق بود، بزودی تمام منطقه را بین ناحیه نیل - صحرائی در منتهی الیه شمال و جنگل باران خیز - جایی که پیگمه ها آن را به عنوان پناهگاه نهایی خود برگزیده بودند - تصرف کردند. در سال اول میلادی، هنگامی که این مرحله کامل شد و پیشقراولان توسعه بانو از افریقای شرقی عبور کردند، مجموع جمعیت منطقه بیش از ۱ میلیون نفر بود.

در سده های اولیه عصر مسیحیت، بانو - صاحبان کنونی ابزارهای آهنی - به جنگل باران خیز نفوذ کردند و غلبه خود را بر منطقه ۹ تکامل بخشیدند. مجموع جمعیت به طور یکنواخت، اگر چه به شکلی غیر چشمگیر، افزایش یافت. میزان افزایش ۱۴/۰٪ در هر سال، معادل دو برابر شدن مجموع جمعیت در هر ۵۰۰ سال برای گذر از تعداد ۱ میلیون نفر در اوّل میلادی به ۸ میلیون نفر که ما می توانیم منطقاً برای ۱۵۰۰ م. فرض کنیم مناسب است. بعد از این زمان، روند رشد جمعیت این منطقه شتابی کند یافت. علت آن این بود که کشف خط ساحلی استوائیه - زئیر - آنگولا توسط پرتغالیها (۸۶-۱۴۷۲ م.) سریعاً ارتباط منظمی بین این بخش از افریقا و بقیه جهان به همراه داشت. تا سال ۱۹۰۰، جمعیت به ۱۵ میلیون نفر افزایش یافته بود و این به رغم این واقعیت است که این ارتباط تقریباً تنها عامل جدایی بسیاری از بومیان تا حد امکان از این منطقه و فروش آنان به عنوان برده در امریکا محسوب می شد.

تجارت برده در این منطقه، در ابتدا، معامله قماری پرتغالیها با برزیل بود که به مثابه بازار بزرگ پرتغال محسوب می شد. تا سال ۱۸۱۰، بخش افریقای غربی بر این بازار مسلط شد و تنها ۴ نفر از هر ۱۰ نفر برده سوار بر کشتی از اقیانوس اطلس عبور کردند که به طور کلی ۱۳۰۰۰۰ نفر از ۳۳۰۰۰۰ نفر در سده شانزدهم و ۶۳۰۰۰۰ از ۱/۵ میلیون نفر در سده هفدهم و ۳ میلیون نفر از ۷/۵ میلیون نفر در سده هجدهم بود. بعد از الغای رسمی تجارت برده در اوایل سده نوزدهم، مسیر جنوبی اقیانوس اطلس جانی دوباره گرفت. در جریان رفت و آمد، مأموران خوشخوی پرتغالی در آنگولا و صاحبان مزارع در برزیل، برده فروشان قاچاقچی اقیانوس اطلس جنوبی، ۱/۳ میلیون از ۲ میلیون برده ای که بین ۱۸۱۰ تا ۱۸۷۰ از افریقا آورده بودند، بر کشتی بار زدند.

هرچند این ارقام قابل توجه می باشد، احتمالاً تأثیر اندکی بر میزان رشد جمعیت بومی داشت. احتمالاً افزایش طبیعی جمعیت از نظم سالانه ۳۰/۱۰۰۰ - ۲۰/۱۰۰۰ برخوردار بود و تنها در طول سالهای شکوفایی در اواخر سده هجدهم تعداد مردمی که توسط تاجران برده، برده شدند به ۲۰۰۰۰ نفر بالغ می شد، حتی پس از آن نیز تقریباً روند کند در توالد برای جبران این کاهش کافی بود. برده فروشان از هر ۴ نفر، به ازای هر ۳ مرد، یک زن می فروختند و چند همسری یکی از راههای آشکار تولید کالا



بود. محصولات جدید غذایی که از قاره آمریکا وارد می‌شد، کارها را آسانتر می‌کرد. دوران استعماری در اواخر سده ۱۹ میلادی آغاز شد. آلمان، کامرون را، فرانسه بقیه استواییه (بجز ناحیه تحت محاصره ریومونی^{۳۸}) و بلژیک، زئیر را تصرف کرد. پرتغالیها خود را با اشغال زمین پشت ساحلی زیستگاههای از پیش تأسیس شده در ساحل آنگولا راضی می‌کردند. جنگ اول جهانی شاهد بیرون کردن آلمانها توسط فرانسه از کامرون بود. در پی جنگ دوم جهانی فرانسویها، استواییه (۱۹۶۰)، بلژیکها، زئیر (۱۹۶۰) و پرتغالیها، آنگولا را (۱۹۷۵) ترک کردند. تنها آنگولا تعداد قابل توجهی مهاجرنشین سفیدپوست را پذیرا شده بود و در حالی که این کشور به سوی استقلال گام برمی‌داشت، جامعه آلمانیهای آن از بالاترین سطح خود (۵۰۰/۰۰۰ نفر) در اوایل دهه ۱۹۷۰، سریعاً کاهش یافت.

در طول نیمه نخست سده بیستم، جمعیت منطقه ۹ از ۱۵ میلیون به ۲۲ میلیون نفر افزایش یافت. در بین سالهای ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۵، ۱۸ میلیون نفر دیگر به این تعداد افزوده شدند و جمعیت به ۴۰ میلیون نفر رسید. اگر وضعیت با این میزان جمعیت ادامه داشته باشد، تعداد جمعیت تا سال ۲۰۰۰، ۷۰ میلیون و یا بیشتر خواهد بود.

تخمین جمعیت استواییه، زئیر و آنگولا ۱۹۰۰ - ۱۹۷۵ / و ۱۹۹۰ م.

| میلادی / ۱۹۹۰ | ۱۹۷۵ | ۱۹۵۰ | ۱۹۲۵ | ۱۹۰۰ | |
|---------------|------|------|------|------|----------------|
| | ۱۰ | ۶ | ۵ | ۴ | ۱ - ۹ استواییه |
| ۳۴ | ۲۴ | ۱۲ | ۹ | ۸ | ۲ - ۹ زئیر |
| ۱۰ | ۶ | ۴ | ۳/۵ | ۳ | ۳ - ۹ آنگولا |
| | ۴۰ | ۲۲ | ۱۷/۵ | ۱۵ | |

تقسیم بندی کنونی استواییه عبارت است از پنج ایالت که وسعت و جمعیت آنها در سال ۱۹۷۵ / و ۱۹۹۰ م. بدین قرار است:

| | | | |
|------------------|----------------|-----------------------|----------------------|
| [۱۹۹۰ میلادی] | ۱۹۷۵ میلادی | | |
| ۱۱/۷ میلیون نفر | ۶/۳ میلیون نفر | ۴۸۰/۰۰۰ کیلومتر مربع، | کامرون |
| ۲/۹۵ میلیون نفر | ۱/۷ میلیون نفر | ۹۳۰/۰۰۰ کیلومتر مربع، | جمهوری افریقای مرکزی |
| ۳۵۵/۰۰۰ نفر | ۰/۳ میلیون نفر | ۳۰/۰۰۰ کیلومتر مربع، | گینه استوایی |
| ۱/۲۶۰ میلیون نفر | ۰/۵ میلیون نفر | ۲۶۰/۰۰۰ کیلومتر مربع، | گابون |
| ۲/۴ میلیون نفر | ۱/۳ میلیون نفر | ۳۴۰/۰۰۰ کیلومتر مربع، | کنگو |

دو جزیره دور از ساحل وجود دارد، سائوتومه^۳ و پرنسیپ^۴. این دو جزیره هنگامی که پرتغالیها آنها را در پایان سده پانزدهم کشف کردند، خالی از سکنه بود. در ۱۸۰۰ جمعیت آنها ۱۲/۰۰۰ نفر بود که تا ۱۹۰۰ به ۴۰/۰۰۰ نفر افزایش یافت. امروزه این رقم ۷۵/۰۰۰ نفر است.

منابع اولیه و کتابشناسی

شمارشهای سراسری در گینه استوایی (۱۹۵۰ و ۱۹۶۰)، کنگو (۱۹۷۴) و آنگولا (هزار سال یک بار از ۱۹۴۰) انجام شده است، اما در کامرون (۶۱ - ۱۹۶۰)، جمهوری افریقای مرکزی (۶۰ - ۱۹۵۹)، گابون (۶۱ - ۱۹۶۰) و زئیر (۸ - ۱۹۵۵) تنها شمارشهای نمونه‌ای برگزار شده است.

افریقا ۱۰

| | | |
|------------------------|-----------|--------------|
| افریقای شرقی | ۱/۷۲۰/۰۰۰ | کیلومتر مربع |
| ۱- ۱۰ اوگاندا | ۲۱۰/۰۰۰ | کیلومتر مربع |
| ۱۰- ۲ کنیا | ۵۷۰/۰۰۰ | کیلومتر مربع |
| ۱۰- ۳ تانزانیا | ۸۹۰/۰۰۰ | کیلومتر مربع |
| ۱۰- ۴ رواندا و بوروندی | ۵۰/۰۰۰ | کیلومتر مربع |

بوشمن ها تنها ساکنان افریقای شرقی، تا آخرین هزاره پیش از میلاد بودند. فرهنگ آنان از شکارچیان و یابندگان عصر آهن سرچشمه می گرفت و تعداد ناچیز آنها یقیناً در مجموع بیش از ۱۰۰/۰۰۰ نفر نبوده است. این مجموع جمعیت منطقه، تا ۵۰۰ ق. م. هنگامی که نخستین دسته های گله داران گاو از شمال به این سرزمین وارد شدند، ثابت باقی ماند.

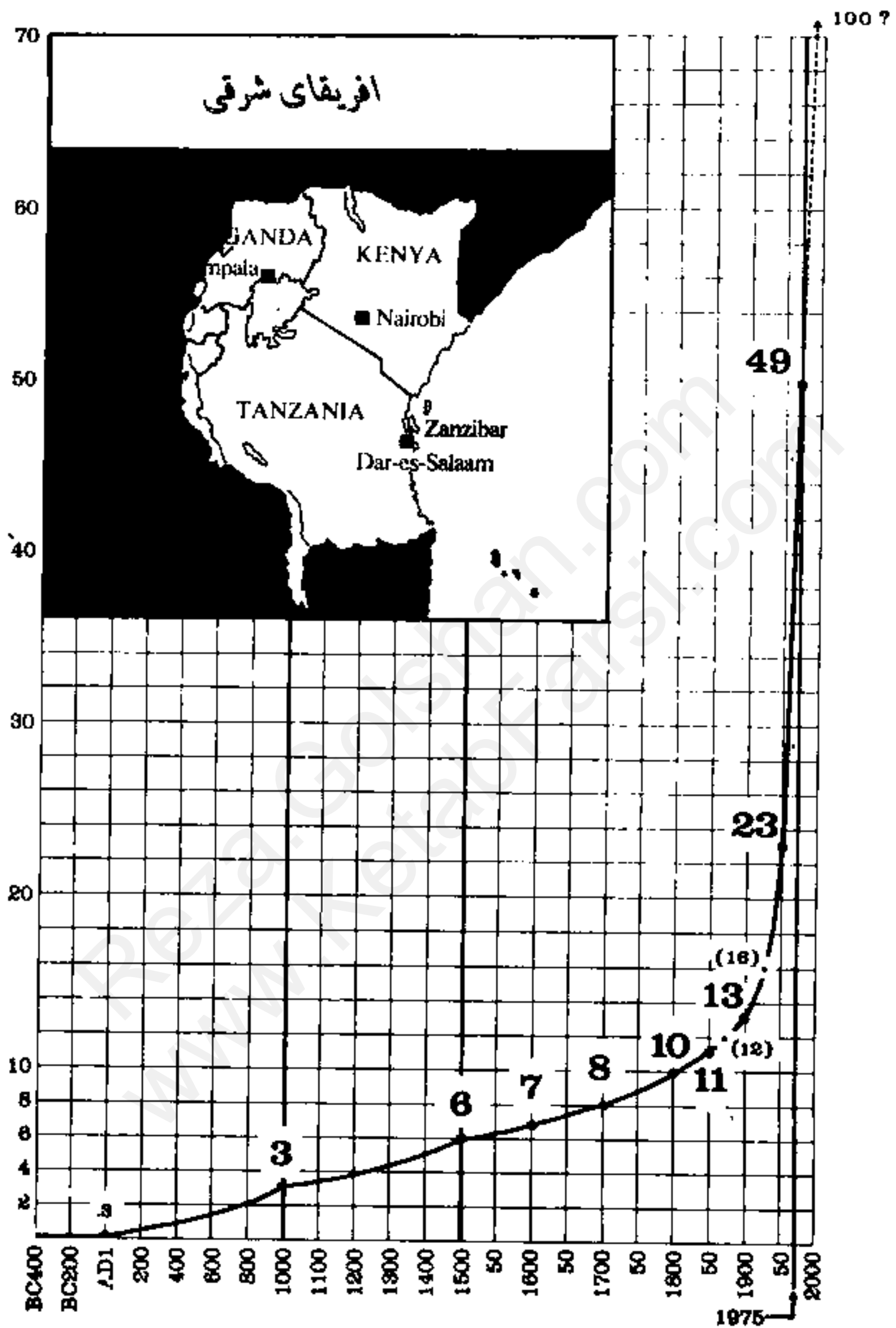
قبایل گوناگون پرورش دهندگان گله های گاو که از نیای کوش و نیل - صحرائی بودند، چراگاه های افریقای شرقی را نامدتی دراز در اختیار نداشتند. در اول میلادی، دسته های توسعه یافته ای از بانتوها، از مرز کنونی زئیر- اوگاندا عبور کردند و در سواحل دریاچه های شرقی اقامت گزیدند. تراکم جمعیت بانتوها همانند کشاورزان، طبیعتاً بیش از چوپانان بود و تا زمانی که آنان در تمام منطقه گسترش یافتند - تقریباً ۵۰۰ میلادی - جمعیت آنان از تعداد چوپانان بیشتر بود. پس از آن مجموع جمعیت بیش از ۱ میلیون نفر بوده است. در ۱۰۰۰ م. این تعداد به ۳ میلیون نفر افزایش یافت.

جدایی افریقای شرقی از بقیه جهان تا این زمان دیگر به طور کامل وجود نداشت. دریانوردان عرب در حالی که عاج و برده خریداری می کردند، شروع به دیدارهای منظمی در طول سده دهم کردند و در سده یازدهم زنجیره ای از پایگاه های تجاری در کناره ساحل بوجود آمد. نفوذ آنان بسیار محدود شد. بردگانی که صادر می شدند تعدادشان سالانه به کمتر از ۱۰۰ نفر می رسید و احتمالاً در یک سال

استثنایی به ۱۰۰۰ نفر نیز رسید، اما حتی رقم بیشتر در مقایسه با ارقام کلی جمعیت - ۴ میلیون یا ۵ میلیون نفر - هیچ اهمیتی نداشت. تا پایان سده هجدهم، عربها به میزان عملیاتشان افزودند. تا دهه ۱۷۸۰، میزان صدور برده، سالانه به ۲۰۰۰ نفر و تا اوایل دهه ۱۸۰۰ به ۳۰۰۰ نفر رسید. برای اسیر کردن این تعداد، برده فروشان بایستی نیروهای غارتگری را به مناطق دور از مرز می فرستادند. در بالاترین سطح داد و ستد، در دهه ۱۸۵۰ و ۱۸۶۰، این تهاجمها به طور منظم سرتاسر پهنه آفریقای شرقی را دربرگرفت و هر سال حدود ۲۰/۱۰۰۰ نفر به عنوان برده به ساحل گسیل می شدند. در صورتی که دو برابر این رقم را که به سبب تلفات ناشی از تهاجمها به وجود آمده بود بدان بیفزاییم مجموع به دست آمده کافی بود تا در روند جمعیت وقفه ای ایجاد شود. احتمالاً مجموع بردگان بسیار زیاد بود به طوری که از رشد جمعیت منطقه جلوگیری می کرد، حتی اگرچه این رقم اکنون بیش از ۱۰ میلیون نفر است، تأثیر آن زودگذر بود. در ۱۸۷۳ بریتانیا، آکنده از شور و شوق اخلاقی که آثار آن گناهکاران را اصلاح کرد، عربهای محلی را مجبور کرد تا تجارت برده را رها کنند و مرکز فروش زنگبار - آخرین بازار بزرگ برده در جهان - را برچینند.

این عمل بریتانیا از آغاز عصر استعمار آفریقای شرقی خبر می داد. در ابتدا، ۱۳ میلیون جمعیت منطقه در ۱۹۰۰ م. بین بریتانیا (۶/۷ میلیون نفر: ۳ میلیون نفر در اوگاندا کنونی، ۳/۵ میلیون نفر در کنیا کنونی و ۲۰۰/۱۰۰۰ نفر در جزایر زنگبار) و آلمان (۶/۳ میلیون نفر: ۳/۸ میلیون نفر در تانگانیکا و ۲/۵ میلیون نفر در رواندا و بوروندی) تقسیم شدند. بعد از جنگ اول جهانی، بریتانیا تانگانیکا را تصرف کرد و بلژیک بر رواندا و بوروندی تسلط یافت. رشد جمعیت در تمام قسمتها سریع بود و تا اوایل دهه ۱۹۶۰، هنگامی که کشورهای آفریقای شرقی کنونی به استقلال دست یافتند، جمعیت آنها به ۲ برابر و یا بیش از ۲ برابر تعدادی که در آغاز این قرن بودند، رسید. رشد جمعیت این کشورها به میزان شتابنده ای پس از آن ادامه یافت، به طوری که به نظر می رسد که منطقه دارای تقریباً ۱۰۰ میلیون نفر جمعیت تا سال ۲۰۰۰ باشد.

بیشتر مردم آفریقا از نژاد بانتو هستند. نسبت آنان متفاوت است، از ۷۰٪ در اوگاندا و کنیا تا ۹۰٪ در رواندا و بوروندی و ۹۵٪ در تانزانیا. اما جامعه آفریقای شرقی از این ارقامی که بدان اشاره شد، از هماهنگی کمتری برخوردار است. در طول چندین سده، توتسیهای نیل - صحرائی بر روستاییان بانتوی بوروندی حکومت داشته اند؛ اگرچه تعداد آنان نسبت به اربابانشان تقریباً ۱۰ به ۱ بیشتر بوده است. تا زمان بروز قیامی خونین در سال ۱۹۶۲، همین وضعیت مشابه در رواندا وجود داشت. در



اوگاندا تنش مذهبی قابل توجهی بین مسلمانان (۵٪ از جمعیت) و مسیحیان (۶۰٪) وجود دارد و این عامل بالقوه‌ای برای مشکلات، در هر جای دیگر در افریقای شرقی است که دارای تعداد بیشتری مسیحی (۴۸٪) و تعداد کمتر اما با درصد فزاینده‌ای مسلمان (۱۲٪) می‌باشد.

اقلیت‌های بیگانه شامل ۱۲۰/۰۰۰ عرب (عمدتاً در زنگبار)، ۱۰۰/۰۰۰ سومالیایی (در کنیای شمالی) و ۳۰۰/۰۰۰ هندی (در تانزانیا و کنیا) است. اجداد هندیها برای اداره خطوط راه آهن توسط بریتانیاییها به این منطقه آمده‌اند و موفق‌ترین اقلیتها که دارای کمترین وجهه ملی هستند، محسوب می‌شوند. در زمانی ۱۰۰/۰۰۰ نفر دیگر از آنان نیز در اوگاندا می‌زیستند، اما در سال ۱۹۷۲ دسته جمعی و بدون هیچ اختار قبلی از آنجا رانده شدند، بیشتر آنان راهی بریتانیا شدند.

منابع اولیه

نخستین سرشماریهای جمعیت افریقای شرقی در پی سالهای پس از اشغال منطقه توسط انگلیس و آلمان انجام گرفت. در آغاز جنگ اول جهانی، این تخمینها دست مایه خوبی در تجربیات اجرایی بود و در حقیقت باعث شد سرشماری در زنگبار صورت گیرد (۱۹۱۰). نخستین شمارش در زمینلاد^۱، در اوگاندا به سال ۱۹۳۱ انجام شد. نخستین سرشماری در منطقه، تلاشی همزمان و مشترک توسط دستگاههای اجرایی اوگاندا، کنیا، تانگانیکا و زنگبار در سال ۱۹۴۸ بود. در پی آن، دور دوم سرشماری در تانگانیکا (۱۹۵۷)، زنگبار (۱۹۵۸)، اوگاندا (۱۹۵۹) و کنیا (۱۹۶۲) و دور سوم در تانزانیا (۱۹۶۷) و اوگاندا و کنیا (۱۹۶۹) برگزار شد. در رواندا و بوروندی، تنها شمارشهای نمونه‌ای وجود داشته است.

کتابشناسی

East Africa, Its People and Resources (ed. T.W. Morgan, 1972) دارای فصلی درباره

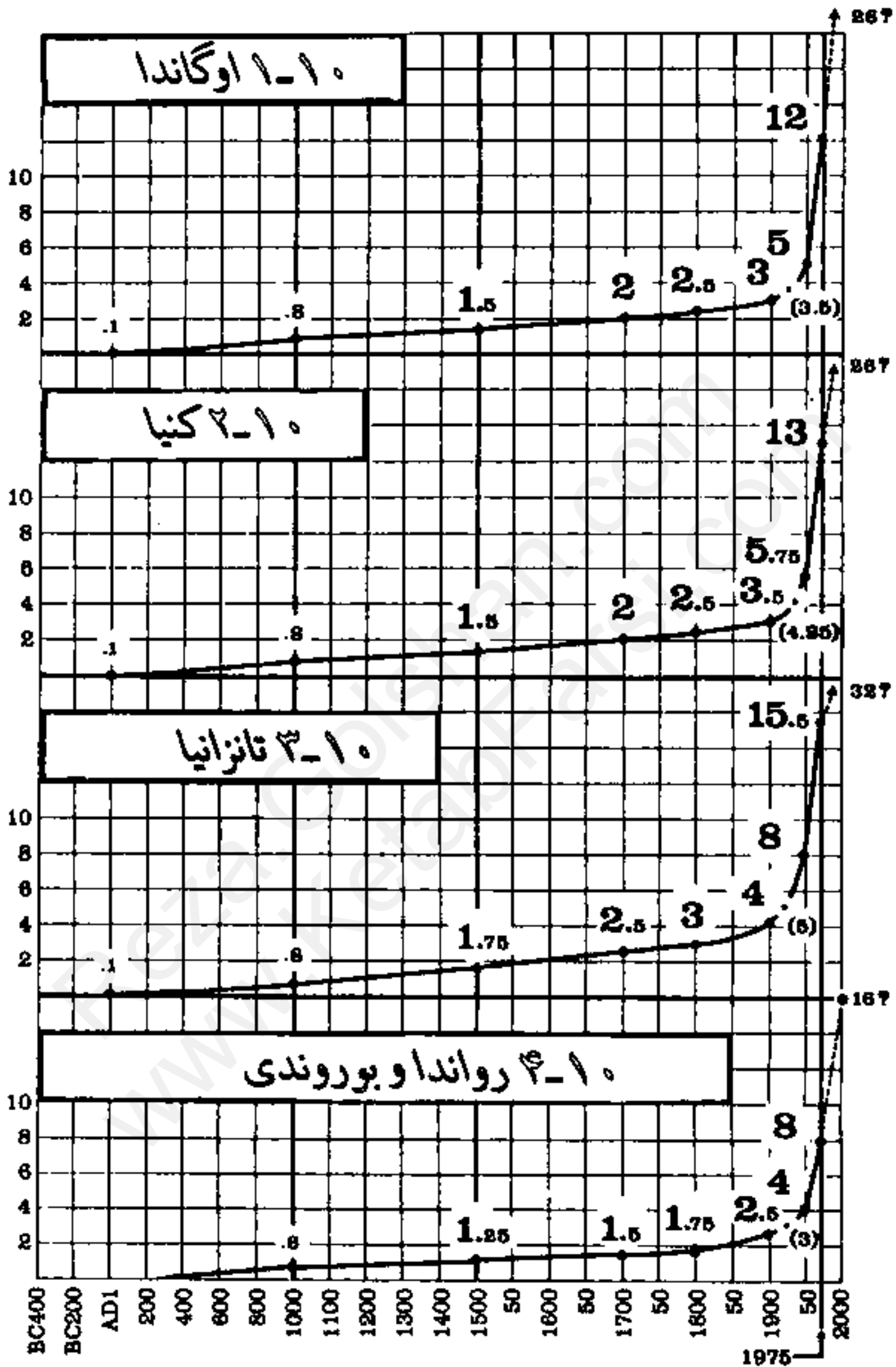
جمعیت نگاری است، نوشته J.G.C. Blacker که تمام اطلاعات را درباره اوگاندا، کنیا و تانزانیا دربردارد. برای یک گزارش خوب از جمعیت اوگاندا و کنیا در این قرن نگاه کنید به: *An Economic*

History of Kenya and Uganda by R.M.A. Van Zwanenberg and Anne King (1975).

برای جمعیت رواندا و بوروندی مراجعه کنید به گزارشی تهیه شده توسط:

UN Department of Social Affairs, Population Division (Pop. Studies No 15). The

Population of Ruanda - Burundi (1953).



افریقا ۱-۱۰ ، ۲-۱۰ ، ۳-۱۰ ، ۴-۱۰

/ جمعیت اوگاندا در ۱۹۹۰ م. : ۱۶/۶۹۰/۰۰۰ نفر، کنیا ۲۴/۳۳۵/۰۰۰ نفر، تانزانیا ۲۵/۰۸۵/۰۰۰ نفر، رواندا ۷/۰۶۰/۰۰۰ ، بوروندی ۵/۳۴۸/۰۰۰ نفر /

افریقا ۱۱

جنوب افریقای مرکزی ۱/۲۶۰/۰۰۰ کیلومتر مربع

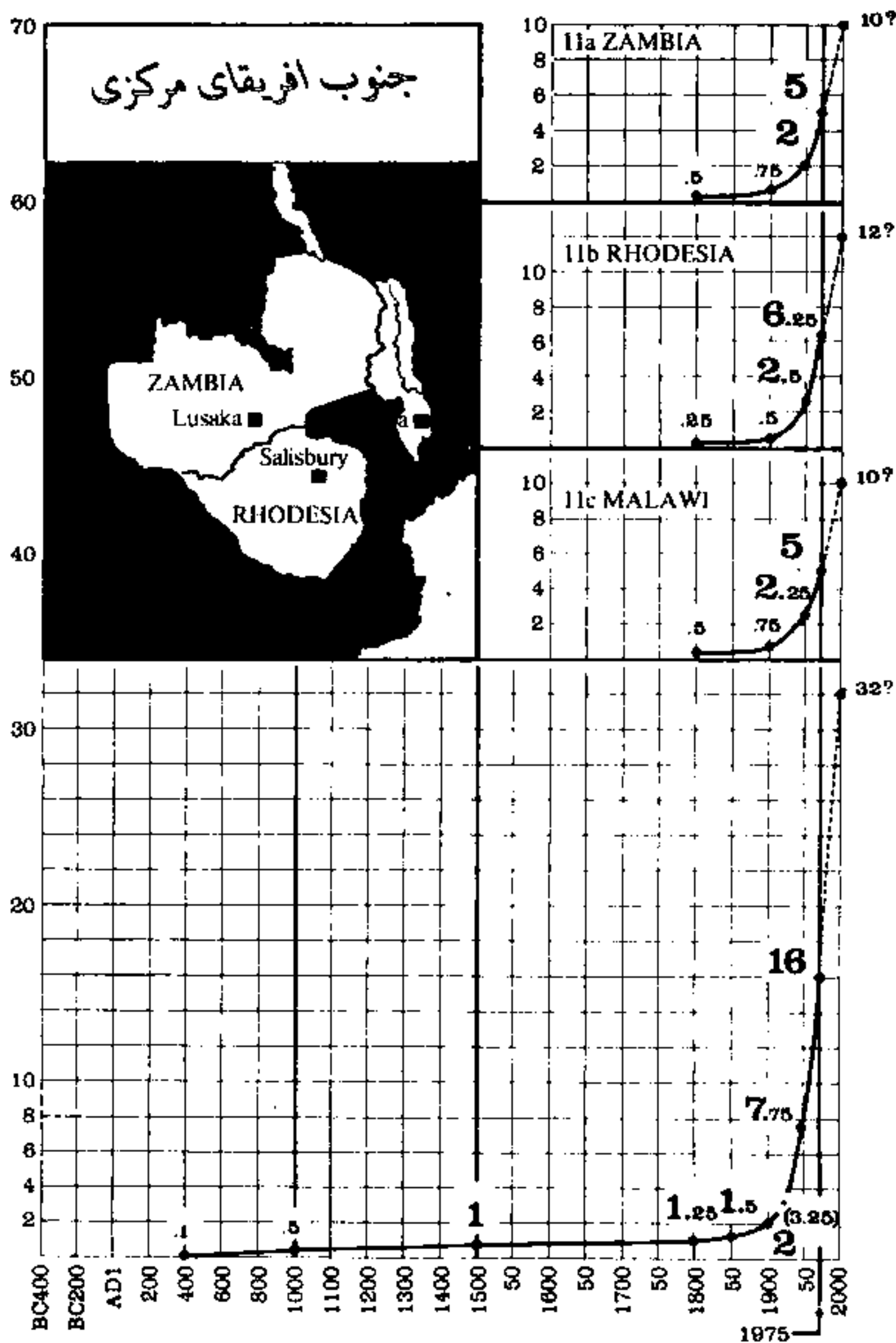
۱-۱۱ زامبیا ۷۵۰/۰۰۰ کیلومتر مربع

۱۱-۲ رودزیا ۳۹۰/۰۰۰ کیلومتر مربع

۱۱-۳ مالاوی ۱۲۰/۰۰۰ کیلومتر مربع

ساکنان اولیه جنوب افریقای مرکزی - بوشمن ها - هیچ گاه تعدادشان به بیش از ۷۵/۰۰۰ نفر نرسید و تنها با ورود نخستین بانتوها در سده سوم میلادی، مجموع جمعیت منطقه به ۱۰۰/۰۰۰ نفر افزایش یافت. حتی پس از آن نیز رشد جمعیت به صورتی شگفت انگیز، کند باقی ماند. جمعیت منطقه به سختی می تواند بیش از ۵۰۰/۰۰۰ نفر در ۱۰۰۰ م. یا ۱ میلیون نفر در ۱۵۰۰ م. بوده باشد و جمعیت در ۱۹۰۰ م. تنها ۲ میلیون نفر بود. این روند رشد جمعیت، برای مردمی کشاورز، در سرزمینی دست نخورده و نه آن چنان پناه دهنده، ضعیف بود.

در دهه ۱۸۹۰، بریتانیا حق قیمومیت را بر تمام افریقای جنوب مرکزی برقرار ساخت. آنان، این منطقه تحت الحمايه خود را به سه واحد مستعمراتی تقسیم کردند که رودزیای شمالی، رودزیای جنوبی و نیاسالند^۱ نامیده می شد و اکنون زامبیا، رودزیا و مالاوی نامیده می شود. مالاوی جنوبی ترین قسمت دره ریفت^۲ دارای تراکم جمعیت زیادی بود که ویژگی این حاشیه از سرزمین به شمار می آمد. هر چند ناحیه آن کمتر از ۱۰٪ از تمام منطقه را تشکیل می دهد، بیش از یک سوم از جمعیت منطقه را در سال ۱۹۰۰ دارا بود. دو سوم مجموع ۲ میلیون جمعیت باقیمانده به نسبت در سرتاسر رودزیا و زامبیا گسترش یافت. چون زامبیا از رودزیا و مالاوی بزرگتر است دارای ۷۵۰/۰۰۰ نفر جمعیت در مقایسه با جمعیت ۵۰۰/۰۰۰ نفری رودزیا می باشد.



Africa Area 11

افریقا ۱۱

/ جمعیت زامبیا در ۱۹۹۰ م. : ۷/۷۵۷/۰۰۰ نفر، زیمبابوه (رودزیای سابق) /
 ۹/۲۴۵/۰۰۰ نفر، مالاوی ۸/۶۷۳/۰۰۰ نفر /

در طول سده بیستم، جمعیت منطقه سرعت رشد کرده و میزان رشد آن به طور یکنواخت شتاب بیشتری یافته است. روند افزایش جمعیت در مالاوی که دارای محدودترین منابع است و در هر زمانی ۲۵۰/۰۰۰ نفر از مردان جوان آن در حال کار در معادن زامبیا و افریقای جنوبی هستند، کندترین است. جمعیت مالاوی در پنجاه سال اخیر، ۴ برابر شده و به ۵ میلیون نفر رسیده است. رودزیا از کم جمعیت ترین کشور به پرجمعیت ترین کشور (۶/۱۰۰/۰۰۰ نفر) تبدیل شده است. این کشور همچنین در این مورد که بریتانیایی‌ها در دوران استعمار در آن اقامت گزیدند و مشکل مهاجران تازه سفیدپوست را پدید آوردند، بی مانند است. در ۱۹۶۵ ۲۳۰/۰۰۰ نفر از آنان در رودزیا می‌زیستند و تعدادشان به اندازه‌ای بود که کنترل کشور را به دست گیرند و پس از آن تا سالهای اخیر این کنترل را در دست داشته‌اند. اما بغت آنان برای ادامه این کنترل برای مدتی درازتر باید محدودتر به شمار آید. آنان کمتر از ۵٪ از جمعیت را تشکیل می‌دهند و حتی این درصد پایین در حال کاهش است.

مشکلات در رودزیا، مشکلاتی را برای زامبیا به وجود آورده است. برعکس، راه حل مشکل رودزیا، موقعیت سیاسی و اقتصادی زامبیا را آسان خواهد کرد. زامبیا با منابع بیشتر از عمده کشورهای افریقای - بویژه معادن کمریند مس - و با جمعیتی نه چندان زیاد، به طور معمول ۴/۹ میلیون نفر، کشوری افریقای با چشم اندازی بهتر از بیشتر کشورهای افریقای است.

منابع اولیه و کتابشناسی

تخمینهای گوناگون و شمارشهایی که توسط مقامهای استعماری بریتانیا در طول سالهای ۱۹۰۱ تا ۱۹۵۶ انجام شده، در جدول مقدمه همراه با گزارشی درباره سرشماری ۱۹۵۶ از تمام سه ناحیه، ارائه شده است (چاپ سالیسبوری، رودزیا، ۱۹۶۰). پس از آن سرشماریهای در زامبیا، در سالهای ۱۹۶۳ و ۱۹۶۹، رودزیا در ۱۹۶۲ و ۱۹۶۹ و در مالاوی در ۱۹۶۶ برگزار شده است.